

یادداشت

شناسی که با موگرینی همراه شد

● **سمیرا فرخ‌منش**، درسال ۲۰۰۹ که کاترین اشتون جای خاویر سولانا را در بخش سیاست خارجی اتحادیه اروپا گرفت، نگاه منفی عده‌ای از منتقدان را به سمت خود جلب کرد. این عده سابقه فعالیت‌های سیاسی اشتون را در مقایسه با سولانا اندک قلمداد می‌کردند و معتقد بودند وی مهارت دیپلماتیک کهنه‌سیاست‌مدار اسپانیایی را ندارد. این اتفاق و اعلام نظرات در ۲۰۱۴ مجدداً تکرار شد، اما با شدت بیشتر. زمانی‌که دوره پنج‌ساله مسئولیت اشتون به پایان رسید و جای آن را وزیر خارجه ایتالیا گرفت، تا مدت‌ها رأس اخبار مربوط به تحولات اتحادیه، انتقاد به این اتحادیه بود. فدریکا موگرینی ۴۱ساله که به نظر عده‌ای شایسته پذیرش این مسئولیت نبود، نوک پیکان انتقادات را به سمت سن کم، سابقه سیاسی و مواضع فکری خود می‌دید. ازجمله دوگانه‌بودن گرایشات فکری وی که زمانی به حمایت مطلق از مواضع چپ و حزب کمونیست ایتالیا منتهی شد و سال‌های بعد با چرخش در جهت‌گیری‌های سیاسی، به سمت سوسیال‌دموکرات‌های کشورش رو آورد.

اما هرچه که بود موگرینی در نوامبر ۲۰۱۴ به جایگاه مهمی در اتحادیه اروپا رسید که به گفته عده‌ای این صندلی برایش زیاد بود. وی با وجود ۹ماه وزیر خارجه بودن باید به حملات سیاسی و رسانه‌ای مقابل خود پاسخ می‌داد و آنها را راضی می‌کرد. بنابراین سکوت نکرده و فعالیت‌هایش در پارلمان ایتالیا یا مبارزاتش علیه نژادپرستی را در کنار تصدی وزارت خارجه، دلیل رد ادعاهای مخالفان می‌دانست. اما اینها به‌تنهایی کافی نبود و موگرینی نیازمند یک برگ برنده موجه‌تری بود تا بتواند میخ نخستین حضورش در حوزه سیاست خارجی یک تشکل اروپایی را محکم‌تر بکوباند و وجهه حرفه‌ای شایسته‌تری برای خود ایجاد کند. همه اینها در حالی اتفاق می‌افتاد که اتحادیه اروپا این‌ایام دچار مناقشات و جدل‌های سیاسی- اقتصادی قابل‌توجهی بود و به‌عبارتی زمینه برای بازی‌کردن نقش‌های متعدد اما سخت، برای موگرینی فراهم بود. اما این نقش‌ها در کلام ساده بود و در عمل نیازمند فعالیت‌های چندین‌ماهه، تسلط بر امور و قدرت زیاد در تحلیل بخش سیاسی و امنیتی اتحادیه‌ای بود که به گفته بسیاری دوران افول خود را می‌گذراند.

در وضعی که یونان مبدل به یک چالش جنجال‌انگیز اقتصادی در جامعه اروپایی شده، موقعیت ترک‌نشینان قبرس و وضعیت نامشخص داخلی این کشور، معضلاتی که در سهم‌بندی پناه‌جویان گریبان کشورهای اروپایی همچون مجارستان و ایتالیا و رومانی را گرفته، مناقشه انگلیس



و تقابلی که با اتحادیه پیدا کرده است، مشکل اوکراین و تأثیرات تحریم‌های روسیه بر دولت‌های اروپایی، سنگ‌اندازی‌های دولت ضد اروپایی ایسلند و دیگر مشکلاتی که در دو سال اخیر موجب درگیری‌های مختلف در میان اعضای اتحادیه اروپا شده است، نیازمند زمان طولانی و انرژی فزاینده برای حل‌وفصل است؛ که بخش اعظم این انرژی قطعاً به نماینده سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا اختصاص دارد. اما در این میان فدریکا موگرینی گزینه بهتری از جنجال‌های موجود را برای اثبات خود به‌دست آورد. به زبانی دیگر از نخستین روز ورود وی به اتحادیه و پذیرش مسئولیت امنیتی – خارجی آن، اقبال با وی همراه بود و پرونده‌ای مقابل او قرار داشت که از مدت‌ها قبل باز شده بود و از مراحل آغازین عبور کرده بود. این پرونده دیگر در نیمه پایانی عمر خود قرار داشت و ماهیت آن به شکلی بود که نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپایی، با کمترین زمان و پتانسیل دیپلماتیک هم قادر به حل آن بود.

به عبارتی پرونده هسته‌ای مناقشه‌ای بود میان ایران و کشورهای ۵+۱ که تکلیفی روشن و وضعیتی معلوم داشت. دو بازیگر کلیدی آن ایران و آمریکا بودند و فرانسه و آلمان و روسیه و چین هم نقش‌های تعریف‌شده و نه‌چندان اصلی را دراین‌میان بازی می‌کردند. آنچه که موگرینی در میان همه‌های سیاسی علیه خود نیاز داشت، دقیقاً می‌توانست چنین پرونده‌ای باشد که نقش کانالیزور و تسهیل‌کننده را در آن ایفا کند. نماینده‌ای که یک هماهنگ‌کننده میان دیگر نیروهای حاضر است و ساده‌سازی ارتباط میان بازیگران، سرعت در نتیجه‌گیری‌ها و جمع‌بندی پاسخ معادلات موجود از کارکردهای مهم اما ساده وی به‌شمار می‌رود. شاید اگر عمر پرونده اتمی ایران به تصدی‌گری امنیتی و سیاسی موگرینی نمی‌رسید، وی امروز در شرایط سختی به‌سر می‌برد، در شرایطی که باید برای اثبات توانمندی خود به حل و برطرف‌سازی معضلات خودگردان کنونی اتحادیه اروپا می‌پرداخت. اما سرانجام مثبت پرونده مذکور، به وی این فرصت را داد که در یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های تأثیرگذار ۵۰ سال اخیر، نقش پررنگی را ایفا کند و متن جمع‌بندی مذاکرات موفقیت‌آمیز را با لیخندی بر لب خوانده و دولت‌های متفاوتی در گوشه‌کنار جهان را از حصول چنین نتیجه‌ای خشنود کند.

اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی، زمانی که به مائتو رنزی پیشنه‌اد رهبری جناح چپ ایتالیا داده شد، یک نماینده جوان از حزب دموکراتیک (PD) که رهبری‌اش را شخص رنزی برعهده داشت، در صفحه توئیتر خود نوشت: «اوکی، رنزی باید چیزهای زیادی درباره سیاست خارجی بیاموزد… نگرانم که او این کار را نکند». وقتی رنزی زمستان بعد در انتخابات مقدماتی حزب دموکراتیک پیروز شد، عاقلانه رفتار کرد و فدریکا موگرینی، منتقد بدزبان خود را به‌عنوان سخنگوی این حزب در اروپا و امور بین‌الملل برگزید. این همکاری عاقلانه ادامه پیدا کرد و زمانی که رنزی به کرسی نخست‌وزیری رسید، فدریکا موگرینی را به‌عنوان وزیر خارجه دولت خود انتخاب کرد. فدریکا موگرینی به‌عنوان سیاست‌مداری جوان نماد کابینه جدید ایتالیا شد؛ چهره‌ای جدید، نیرومند، کارآمد و امیدوارکننده. در بروکسل اما وقتی نام وی به‌عنوان جانشین احتمالی کاترین اشتون بر سر زبان‌ها افتاد، چندان استقبالی از او نشد و اغلب کمانه‌زنی‌ها با «اما» و «اگر» همراه بودند. بااین‌حال، شش ماه پس از انتخاب موگرینی به‌عنوان وزیر خارجه، وی راهی بروکسل شد و با حمایت‌های تمام‌قد رنزی، توانست رقباً را از میدان خارج کرده و جانشین کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، شود. بسیاری از منتقدان موگرینی معتقد بودند که شش ماه تجربه در مقام وزارت خارجه ایتالیا، نمی‌تواند برای تصاحب این کرسی کافی باشد. اما موگرینی توانست این کرسی را به دست بیاورد و در نخستین سخنرانی خود پس از اعلام رسمی جانشینی کاترین اشتون گفت: «می‌دانم کار پرچالشی خواهم داشت و می‌خواهم تمام انرژی خود را برای منافع همه کشورها و شهروندان عضو اتحادیه اروپا به‌کار گیرم».

روزنامه فرانسوی لوموند انتصاب وی را به سمت مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا «روز غم‌انگیز اروپا» خواند. هنوز هم بسیاری در اروپا (یا حتی آمریکا) هستند که معتقدند او به‌عنوان یک سیاست‌مدار کارآمد قدرت کافی ندارد. به‌عنوان مثال، با وجود نقش انکارناپذیر موگرینی در توافق هسته‌ای ایران، نشریه پلوتیکو در گزارشی با عنوان «زنان پشت‌پرده توافق با ایران» تلاش کرده تا با کم‌رنگ‌کردن نقش موگرینی در این روند، از حضور تأثیرگذار و کم‌تردیده‌شده هلگا اش‌میت، معاون موگرینی، در روند مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن سخن بگوید.

حامیان موگرینی اما معتقدند که گرچه جوانی و کم‌تجربگی وی غیرقابل انکار است اما این سیاست‌مدار ایتالیایی نقاط قوتی دارد که می‌تواند به پیشرفت او کمک کند. ائتوره جره‌کو، مدیر مؤسسه مطالعات امور بین‌الملل رم، در این‌باره به روزنامه گاردین می‌گوید: «به اعتقاد من نقاط قوت موگرینی دست‌کم گرفته نشده است. او می‌داند که چطور سخت کار کند، چطور در کار تیمی شرکت داشته باشد، به‌عنوان سیاست‌مدار خونسرد باشد…» او گرچه کارآموز سیاسی نیست اما کار خود را در سطح بالایی آغاز کرده و در این راه می‌تواند تجربیات

مرتبط با شغلش را نیز کسب کند.» اما «بی‌تجربگی» تنها انتقاد مخالفان از انتصاب موگرینی، به‌عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نبود. رهبران کشورهای حوزه دریای بالتیک و لهستان با متهم‌کردن موگرینی به حمایت از روسیه شدیداً از این انتخاب نارضی بودند. رئیس شورای جمهور لیتوانی که به رویکرد ضدروسی رهبرش دارد، بارها نسبت به تبعات انتخاب موگرینی هشدار داد. نزدیکان موگرینی می‌گویند، این سیاست‌مدار جوان معتقد است که ایتالیا نقش مهمی در روابط اروپا با شمال آفریقا و خاورمیانه دارد و روابط اقتصادی و مهاجران تونس‌ای از مسائلی هستند که پای ایتالیا را به تحولات کشورهای عربی می‌کشاند. رسانه‌ها در زمان انتصاب موگرینی به‌سمت مسئول

جهان

به بهانه سفر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به ایران

سیاست‌مداری از جنس مذاکره

بهاره محبی



از «منشی‌گری» تا «کرسی ریاستی» در اتحادیه اروپا

فدریکا موگرینی، شانزدهم ژوئن ۱۹۷۳ در محلی در نزدیکی شهر رم ایتالیا متولد شد. پدر او فلوپو موگرینی، کارگردان سینما بود. اطلاعات زیادی از دوران کودکی و نوجوانی فدریکا در دست نیست. او خود در وبلاگش با عنوان BlogMog آورده است پس از پایان دوران مدرسه مدتی را در یک مرکز تلفن کار کرده و پاسخ‌گوی تماس‌های تلفنی بوده است. موگرینی در این وبلاگ نوشته به خواندن رمان‌های پلیسی علاقه‌مند است و اوقات فراغتش را با خانواده می‌گذراند و علاقه شدیدی به مسافرت دارد؛ در هر جایی، هر وقتی و به هر طریقی. فدریکا با مائتو ریسانی، مشاور والتر ولترونی، شهردار اسبق رم و رهبر پیشین حزب دموکرات ازدواج کرده و از این ازدواج دو فرزند دختر دارد. موگرینی خیلی زود وارد دنیای سیاست شد. او در ۱۵سالگی عضو شاخه جوانان حزب کمونیست ایتالیا شد. موگرینی تحصیلات خود را در رشته فلسفه سیاسی در دانشگاه ساینزا رم گذرانده و عنوان پایان‌نامه او «اربطه سیاست و دیانت در اسلام» بوده است. وی عضو بنیاد آمریکا- ایتالیاست که مقرش در رم است. موگرینی همچنین سابقه عضویت در برخی اندیشکده‌های مطالعاتی آلمانی و آمریکایی را نیز دارد. او در سال ۲۰۰۱ میلادی عضو شورای ملی حزب دموکرات‌های چپ شد و در دفتر روابط خارجی این حزب سوسیال‌دموکرات فعالیت کرده و در مسائل مربوط به فرایندهای صلح خاورمیانه و ارتباط با احزاب سوسیالیستی اروپا و آمریکا فعال بود. با تأسیس حزب دموکراتیک ایتالیا، در سال ۲۰۰۷، موگرینی در دفتر رئیس حزب، والتر ولترونی، مشغول‌به‌کار و در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان نماینده پارلمان ایتالیا برگزیده شد. وی در فوریه ۲۰۱۳ به‌عنوان وزیر خارجه در کابینه مائتو رنزی انتخاب و از سال ۲۰۱۴ نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی شد. موگرینی، در سال ۲۰۱۳ میلادی به‌عنوان رئیس هیات ایتالیایی در مجمع پارلمانی ناتو حضور داشت. موگرینی سومین وزیر خارجه زن ایتالیا بود. پیش‌از وی، اِما بونینو و سوزانا آنجلی، دو نفر از جامعه زنان ایتالیا، به کرسی وزارت خارجه تکیه زده بودند. فدریکا موگرینی یکی از شخصیت‌های سیاسی برجسته ایتالیاست که در ترویج خلع سلاح هسته‌ای در پارلمان ایتالیا، از جمله تصویب قطع‌نامه‌ها و حمایت از سند چشم‌انداز خلع سلاح هسته‌ای و نیز برنامه‌های باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا و بان‌کی مون، دبیر کل سازمان ملل، نقش مهمی ایفا می‌کند.

سیاست خارجی اتحادیه نگاهی داشتند به دیدگاه وی درباره برخی مسائل مهم بین‌المللی:
انتقاداز اسرائیل

فدریکا موگرینی، در مقام وزیر امور خارجه ایتالیا بارها اسرائیل را برای تداوم شهرک‌سازی در کرانه باختری و ششرق بیت‌المقدس محکوم کرده و آن را محسوس و شریک رئیس جمهور لیتوانی که به رویکرد ضدروسی رهبرش دارد، بارها نسبت به تبعات انتخاب موگرینی هشدار داد.

نزدیکان موگرینی می‌گویند، این سیاست‌مدار جوان معتقد است که ایتالیا نقش مهمی در روابط اروپا با شمال آفریقا و خاورمیانه دارد و روابط اقتصادی و مهاجران تونس‌ای از مسائلی هستند که پای ایتالیا را به تحولات کشورهای عربی می‌کشاند. رسانه‌ها در زمان انتصاب موگرینی به‌سمت مسئول

فریدون مجلسی، کارشناس امور بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»:

مذاکره با ایران اعتبار موگرینی را بالا برد

کرد که جمهوری اسلامی در خلال مذاکرات عملاً با سه قدرت مطرح اروپایی مذاکره داشت و موگرینی به‌عنوان یک ایتالیایی کشورهای اروپایی را به عدد چهار رساند.

این اظهارات یعنی مهر تأییدی بر آنچه موگرینی از خود نشان داد؟

قطعاً، سختی و فشردگی مذاکرات انجام‌شده بین ایران و ۵+۱ را نمی‌توان تصور کرد و در نظام بین‌الملل کمتر پیش می‌آید که گروه‌هایی چنین نشست‌هایی را برگزار کنند. تحقیق نتیجه با وجود مانع‌ها، نشانگر این است که مذاکره‌کننده‌ها، ازجمله خاتم موگرینی توانمندی بالایی داشتند. به‌عنوان مثال وقتی آقای طریف با عصیانیت و با آن لحن به موگرینی خطاب می‌کند که «هیج‌وقت یک ایرانی را تهدید نکند» مشخص می‌کند که ایشان برای دفاع از منافع گروه خودش که اتفاقاً رفتاری کاملاً طبیعی است، رفتاری جدی داشتند که وزیر امور خارجه ایران را وادار به چنین واکنشی کردند.

حضور موگرینی در تهران چه پیامی دارد؟



ایرانی شروع کرده بود، ادامه دهد. موگرینی از همان ابتدای کار خود نسبت به دستیابی به توافقی دائم با ایران خوش‌بین بود. از نظر او، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، به‌دلائل سیاسی داخلی نیاز به این توافق داشت ضمن اینکه این توافق می‌تواند بسیاری از مشکلاتی را که ایران درباره تحریم‌ها با آن مواجه است، از میان بردارد. به اعتقاد حامیانش، موگرینی همواره اهل تعامل و مذاکره بوده و پس از جانشینی کاترین اشتون نیز تلاش کرد تا رابطه خوبی را که وی با مقام‌های ایرانی شروع کرده بود، ادامه دهد.

مذاکره با روسیه

موگرینی در مورد اوکراین، تلاش کرد که نشان دهد موضع ایتالیا با آمریکا و اتحادیه اروپا در مسئله اوکراین یکسان است. وی اذعان داشته که اگرچه روابط اتحادیه اروپا و اوکراین محکم است اما برای حل این مسئله باید با روسیه مذاکره کرد. موگرینی در این‌باره گفته است: «اگر نمی‌خواهیم که با جنگی هسته‌ای مواجه شویم باید راه‌حل مذاکره با روسیه را انتخاب کنیم… راه‌حل‌های نظامی که برخی توصیه می‌کنند، نهایتاً مشکل را حل نمی‌کند بلکه ابعاد مشکل را افزایش می‌دهد… تحریم هم به‌عنوان تنها راه‌حل، فقط یک گام به عقب است…» روسیه نیز راه‌حل مذاکره را قبول دارد بنابراین باید به‌دنبال راهی مبتنی بر مذاکره باشیم».

موگرینی سال گذشته در سخنرانی خود در مؤسسه بروکینگز که بسیار به آن توجه شد، با دفاع از رویکرد مذاکره‌محور خود گفت: «در عصری زندگی می‌کنیم که به‌شکل بی‌سابقه‌ای پیچیده است. بپذیریم که این پیچیدگی، چالشی جدی است و در آینده هم یک کابوس جدی خواهد بود… مطمئن باشید تلاش می‌کنیم اتحادیه اروپا بیش‌ازپیش عاقلانه‌تر و به شیوه‌های ساده‌تری عمل کند؛ البته این پیچیدگی‌ها اصول و ارزش‌های ما را تقویت کرده است. در طول سالیان آموخته‌ایم که از دیدگاه‌های مختلف به‌نفع خود استفاده کنیم و درباره این اختلاف‌ها و تفاوت‌ها اجماع نظری کلی ایجاد کرده‌ایم. اختلاف‌نظرها و تفاوت‌ها باعث نشده نتوانیم با هم کار کنیم… نمی‌گویم یک نظم نوین جهانی در حال پیدایش است؛ می‌گویم جهان جدیدی در حال ظهور است؛ جهانی که ایجاد اجماع و مشارکت در آن، حیاتی است. در جهان امروز، غرب همچنان از قدرت و نفوذ قابل‌توجهی برخوردار است؛ اما دیگر مدت‌هاست قدرت، اختصاصی و انحصاری نیست و باید با مشارکت دیگران به‌کار گرفته و اعمال شود.» سخنانی که می‌تواند توجیه قابل‌قبولی برای سفرش به ایران، فقط یک هفته پس از به سرانجام‌رسیدن مذاکرات هسته‌ای ایران و کره ۵+۱ باشد.

منبع:

http://www.theguardian.com/global/2014/ 1–aug/30/portrait–federica–mogherini–eu–foreign–policy–chief
http://www.politico.eu/article/thewomen– 2–behind–the–nuclear–deal
Ettore Greco 3–

به‌عنوان کمیسر اتحادیه قدرت تأثیرگذاری زیادی دارد.
حقوقیت در بحث هسته‌ای ایران، چه تأثیری بر ادامه همکاری موگرینی در اتحادیه اروپا دارد؟
حتماً از این پس تا پایان دوران مأموریت خود ادامه خواهد داد، البته با اعتبار بسیار بیشتری. چراکه ثابت کرد جوانی نمی‌تواند مانعی برای کارآمدی باشد.

ح فضای مدیریتتی ایتالیا جقدر از موقعیت تازه موگرینی استقبال می‌کند؛ سؤال این است که او می‌تواند چشم به مناصب بالای کشورش داشته باشد؟

ببینید! موگرینی تا پایان دوره حضورش در اتحادیه اروپا، در اروپا باقی می‌ماند تا با تجربه بیشتری خودش را برای نخست‌وزیری ایتالیا آماده کند. البته توضیح این مسئله ضروری است که در ایتالیا نخست‌وزیر در فضای احزاب انتخاب می‌شود، در شرایطی که فدریکا موگرینی به‌دلیل مسئولیتی که بر عهده دارد، نباید در چارچوب خاصی فعالیت داشته باشد و محکوم است که فراجناحی عمل کند.
آیا اشتون تکام شد و موگرینی موفق؛ اصلاً می‌شود این دو را مقایسه کرد؟
خانم اشتون در مذاکرات طولانی و بی‌حاصلی که با سعید جلیلی داشت، تا حد زیادی اعتماد خودش را از دست داده بود و این باعث شد تا نتواند موفقیتی داشته باشد. اما همه دیدند که با تغییر سیاستمدار تازه‌وارد، در ژنو۱ تفاهم اولیه حاصل شد تا این‌طور نباشد که اشتون به‌عنوان چهره‌ای شکست‌خورده در بحث مذاکرات هسته‌ای شناخته شود. به‌همین دلیل لازم‌به‌ذکر است که باید از اشتون هم به‌عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار مذاکرات فشرده هسته‌ای یاد می‌شد. البته اشتون در سال‌های پایانی فعالیتش مسئولیتی به این مهمی را بر عهده داشت و موگرینی در سال‌های جوانی.

نگاه

کم‌اقبالی موگرینی در کسب «بخت» ماکیاولی

● **نوزن اعتضاد السلطنه**: ماکیاولی، متفکر سیاسی ایتالیایی در قرن شانزدهم میلادی «بخت» را نیروی بالهوس و پیش‌بینی‌نشده‌ای و غالباً مقاومت‌ناپذیری دانست که از بیرون بر سرنوشت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. از دید او گرچه انسان بازیچه بخت نیست اما نیروی عظیم بخت هم چون «رودخانه خروشان» است که وقتی خشم می‌گیرد تمام درختان، بناها و همه چیز اطراف خود را به تسلیم وامی‌دارد. ماکیاولی خود نیز اسیر «بخت» بد شد. گرچه باور داشت که حاکمی چون بوریجا می‌تواند اهالی فلورانس را متحد کند و شبیه آن «شهریار» ترسیم‌شده ذهن او باشد بااین‌حال، مسیر وقایع مدیچی‌ها را به حکومت فلورانس بازگرداند و سبب برکناری ماکیاولی از مقام سیاسی خود شد و او را به‌جای عمل سیاسی به تفکر و نگارش در باب سیاست وادار کرد. پنج قرن پس از ماکیاولی، زنی از دیار او در نوامبر سال ۲۰۱۴ میلادی سکاندار قلب سیاست خارجی اتحادیه اروپا شد. «فدریکا موگرینی»، ۴۲ساله که سیاست‌مداری جوان محسوب می‌شود حتی پیش از برعهده‌گرفتن مسئولیت سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز از بخت و اقبال چندان‌ی برخوردار نبود.

این سیاست‌مدار زن سوسیال‌دموکرات اروپایی پیش از انتخاب به‌عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتقادات عمده‌ای مواجه بود. انتقاد مخالفان ریاست او، از دو جنبه بود؛ نخست آنکه، منتقدان سن او را برای برعهده‌گیری چنین مسئولیت سنگینی کم می‌دانستند و معتقد بودند که وی در عرصه سیاست خارجی کم‌تجربه است بااین‌حال، موافقان معتقد بودند که شاناری، توانایی کار گرومی و همچنین قابلیت بالای موگرینی در میانجی‌گری از جمله قابلیت‌های او هستند که البته آخرین مورد در جریان مذاکرات هسته‌ای اخیر میان ایران و ۵+۱ و نقش سازنده مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اثبات شد. تاکنون موگرینی توانسته بحران‌های ایجادشده در اتحادیه اروپا را به‌طور کامل رفع کند. البته انتقادات مطرح‌شده علیه نحوه عملکرد مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا منحصراً به موگرینی نبوده است. پیش از او این نیز زمانی که «کاترین اشتون» این مقام را به عهده داشت منتقدانش باور داشتند که این دیپلمات ۵۸ساله فاقد قدرت اجرایی لازم برای حل چالش‌های مختلف مرتبط با حوزه سیاست خارجی است. اشاره آنان به ناکامی اشتون در حل موضوع برنامه هسته‌ای ایران، بحران اوکراین و همچنین رویدادهای پس از بهار عربی به‌خصوص در زمینه مخالفت او با حمله نظامی علیه لیبی در سال ۲۰۱۱ میلادی و بی‌اعتنایی بریتانیا و فرانسه به نظر او در این‌باره بود. در مقایسه با او اما «خاویر سولانا» که پیش از او این مقام را برعهده داشت از قدرت سیاسی برخوردار بود و وزنه‌ای برای اعتبار نزد سیاست‌مداران سایر کشورها محسوب می‌شد. باوجود سیر تاریخی کاسته‌شدن از وزن سیاسی و حوزه قدرت مقام‌های سیاسی و دیپلماتیک دارد. او تحصیلاتش را در رشته فلسفه سیاسی به پایان رسانده است، نکته قابل توجه دراین‌میان آن است که عنوان تز موگرینی رابطه میان مذهب و سیاست در اسلام بوده که نشان می‌دهد وی شناخت خوبی از جهان اسلام دارد و همین موضوع می‌تواند عامل مهمی در تقویت تعامل میان اتحادیه اروپا با مسلمانان منطقه باشد. او همچنین زمانی که عضو کمیته خارج حزب دموکراتیک ایتالیا بود، مسئولیت روابط با جنبش‌های بین‌المللی و احزاب را نیز برعهده داشت و در آن زمان ارتباطات گسترده‌ای با مسئولان سیاسی و نهادهای غیردولتی در افغانستان و عراق داشت، همچنین او در رابطه با روند صلح فلسطینی- اسرائیلی در خاورمیانه تأثیرگذار بود که خود می‌تواند ظرفیت‌های او را به‌منظور ایفای نقش مؤثرتر اتحادیه اروپا برای میانجی‌گری در منطقه و همچنین گسترش روابط میان آن اتحادیه با کشورهای مسلمان افزایش دهد. شواهد دیگری وجود دارند که نشان می‌دهند او قابلیت تعامل بیش‌تر را با جهان اسلام و ساکنان خاورمیانه دارد. کشور دوست وزیر ایتالیا آماده از میان چپ اروپااست نشان می‌دهد که وی تمایل بیش‌تری به تسهیل روند تشکیل دولت فلسطینی دارد؛ چنانچه در دوران جوانی‌اش نیز با پاسر عرفات رهبر پیشین فلسطینیان در سال ۲۰۰۲ میلادی دیداری داشت که از سوی لابی‌های هوادار رژیم اسرائیل به‌عنوان دست‌انویزی مورد بهره‌برداری تبلیغاتی قرار گرفت. او همچنین در سال ۲۰۱۵ میلادی درباره اسلام سیاسی و حضور مذهب در سیاست در اروپا سخنرانی کرد و گفت که اسلام در اروپا و در فرهنگ کشورهای اروپایی دارای نقش است. خاتم موگرینی در این‌باره گفته بود که هراسی ندارد که بگوید اسلام سیاسی باید جزئی از اروپا باشد مذهب فارغ از ارزش‌گذاری می‌تواند بخشی از روند سیاسی باشد. امری که از سوی منتقدان به مثابه بی‌توجهی او به اصل سکولاریسم قلمداد شده بود اما از رویکردی دیگر می‌تواند به‌عنوان تمایل او به پذیرش ابد سازگاری اسلام با فرهنگ اروپایی و زمینه‌سازی برای نزدیکی تمدن اسلامی و اروپایی به یکدیگر قلمداد شود.